

تبعیض جنسیتی در پرداخت معاش کارمندان سکتور خصوصی

بیش از یک ماه است که جنجال مجلس نمایندگان با حکومت بر سر سند بودجه سال مالی ۱۴۰۰ خورشیدی ادامه دارد. اختلاف نظر از آنجا نشأت گرفت که پرداخت معاش برای کارمندان دولتی بسیار نا عادلانه است. آموزگاران و سرایان نیروهای امنیتی که بیشترین تعداد و مهم‌ترین مسؤلیت‌ها را دارند کمترین دستمزد را دریافت می‌کنند. اما در بخش‌های سیاسی و مشاوریت‌ها در وزارتخانه‌ها، کمیسیون‌های ریاست‌های مستقل، مجلس نمایندگان، مجلس سنا و ساختار ریاست جمهوری معاش‌های هنگفت با امتیازهای هزارها دالر در یک ماه دریافت می‌کنند. مجلس نمایندگان طی یک‌و نیم دهه گذشته همه ساله این طرح نا عادلانه سند بودجه را تأیید می‌کرد. اما پس از اعتراض‌های زیاد شهروندان و بازتاب رسانه‌ای این مسأله، مجلس بر آن شد تا سند بودجه سال جدید مالی را برای دومین بار رد کند.

مجلس نمایندگان بودجه مالی سال ۱۴۰۰ خورشیدی به خاطر بی‌عدالتی و عدم همسانی معاشات کارمندان دولتی این سند را رد کرده و گفته است که همسان‌سازی معاشات کارمندان دولتی خط سرخ نمایندگان مردم است. در اداره‌های دولتی اگرچه معاش کارمندان سقف مشخص و معیار درستی ندارد، اما در پرداخت معاش تبعیض جنسیتی میان کارمندان وجود ندارد. در حالی که در سکتور خصوصی و در مراکز کار خارج از نهادهای دولتی پرداخت معاش بر اساس جنسیت صورت می‌گیرد. البته که میزان معاش زنان در سطح پایین‌تر قرار دارد. اگرچند طبق قانون کار هر نوع تبعیض میان کارمندان یک نهاد و کارگران در مراکز کار غیر قانونی است. اما تاهنوز دولت هیچ طرحی برای نظارت از عمل‌کرد نهادهای خصوصی ندارد تا در پرداخت معاش از تبعیض و تفاوت جلوگیری کند. شکایت‌ها از تفاوت معاش میان کارمندان بر اساس جنسیت وجود دارد. برای زنان نسبت به مردان معاش کم‌تری پرداخت می‌شود. این تفاوت در امتیاز و دستمزد کار به خاطر بی‌پاوری به برابری توانمندی‌های زنان و مردان به یک امر عام تبدیل شده است.

حالا که گفتگویی برای تأمین عدالت در پرداخت معاش بین کارمندان دولت به وجود آمده، فرصت مناسبی است که دولت برای از بین بردن تبعیض در پرداخت معاش و امتیاز از تمامی سکتورها، یک مکانیزم درست را طرح و تطبیق کند. این کاری است که باید سال‌ها پیش صورت می‌گرفت. مسأله تنها این نیست که در نهادهای دولتی و خصوصی معاش ماهانه‌ی یک رییس چند برابر معاش یک مأمور است. بلکه در اداره‌های نهادهای خصوصی در عین بست، زنان معاش و امتیاز کم‌تری نسبت به همکاران مرد دریافت می‌کنند.

از همین رو، ضرورت است که ضمن تمرکز روی همسان‌سازی معاش کارمندان نهادهای دولتی، به مشکل تبعیض جنسیتی در پرداخت معاش کارمندان سکتور خصوصی نیز رسیدگی شود. این امر نیک و آغاز خوبی است که مجلس نمایندگان به عنوان یک نهاد قانون‌گذار علیه نابرابری معاش و امتیازهای کارمندان در نهادهای دولتی اقدام نموده است، اما از یاد برده نشود که حدود هفت صد هزار نفر در نهادهای دولتی کار می‌کنند، بقیه شهروندان همه در نهادهای خصوصی و مراکز کار شخصی شاغل هستند، زنان در بخش تولید، زراعت، صنعت، تجارت، اداره، صحت و آموزش و پرورش؛ یعنی در همه عرصه‌ها مصروف کار هستند. اما در اکثر موارد نابرابری در معاش و امتیاز آنان به عنوان یک امر عادی نادیده گرفته می‌شود. البته که این مشکل در نهادهای دولتی نیز تاکنون وجود داشته، ولی از لحاظ حقوقی، قانون کار دولت را مکلف می‌سازد که در پرداخت معاش و امتیازهای مادی و معنوی میان کارمندان اداره‌ها عدالت و برابری را تأمین کند. اما در سکتور خصوصی تاهنوز دولت هیچ‌گونه طرح و پلان نظارتی برای اصلاح این معضل ندارد.



نیم‌رخ هفته

آمنه و لیلا مادر و دختری که هر دو به عنوان سرباز در چوکات اردوی ملی در قوماندانی قول اردوی ۲۰۷ ظفر ایفای وظیفه می‌کنند.

چرا شاعر و ادیب ما رسالتمند نیست؟

خویش انجام دهند. علاوه بر این، برخی از نویسندگان ما نتوانستند و نمی‌توانند در مسیر ادبیات هدفمند حرکت نمایند. یعنی تیری را که از کمان شعر، داستان، نقد و تاریخ‌ها می‌کنند به سوی هدفی که از قبل تعیین شده باشد پرتاب نمایند. از خود اثر مستقل علمی و اجتماعی بیافرینند. مثلن وقتی شعری را به سرایش می‌گیرند از خود نمی‌پرسند که این شعر برای چه و برای کی باید سروده شود. از طریق

صفحه ۳

حافظه‌ام یاری نمی‌کند تا نام‌های همه‌شان را به یاد بیاورم. از بانوان سخنور راحله یار، کریمه ویدا، شفیقه یارقین-دیباچ، حمیرا نگهت، ثریا واحدی، خالده فروغ، فرحناز حافظی، انجیلا پگاهی، نجلا آگاه، نادیه فضل، ساجده میلاد، مزگان ساغر، صنم عنبرین، نفیسه خوش‌نصیب و شاهدخت شعر معاصر «بهار سعید» و ده‌ها تن دیگر را می‌توان نام برد. چند تن از این بانوان و آقایان خوش‌بختانه نتوانستند اصالت ادبیات را درک نمایند و کارهای رسالت‌مندی در شعر و تر

پولادیان، صبوراالله سیاه‌سنگ، سلطان‌علی سحاب، لطیف پدram، قهار عاصی، افسر رهبین، عبدالله نایبی، محب بارش، سمیع حامد، علی‌شاه روستایار، پژوهان گردانی، مسعود اطرافی، میرویس موج، لاجوردین شهری، شجاع خراسانی، عزیز آسوده، غنی برزین مهر، یونس طغیان، صالح محمد خلیق، حضرت وهریز، صدیق کاوون، غلام‌حیدر یگانه، قربان‌علی همزی، اسدالله ولوالجی، صادق عصیان، عباس خروشان و صد‌ها تن دیگری که در همین لحظه



دیدگاه

کجه سلیمان راوش

اگر نویسنده و یا شاعری بخواهد فریادگر زمان خود باشد، ولو سال‌های سال را در ایستایی و سکوت گذراند باید باشد، باز هم در آغاز کار زمانه او را در آغوش می‌کشد.

ما شاعران و نویسندگان زیاد داریم. به طور نمونه از دهه‌ی شصت تا به امروز اگر بشماریم چهره‌های مانند: پرتو نادری، شبگیر

آیا خانه‌داری شغل ذاتی زن است؟



صفحه ۲

شبانه دوران؛

دختری که تمثیل‌های کودکی‌اش را زنده‌گی می‌کند

برای آموختن الفبا کار می‌گرفته. به گفته‌ی او مادر و پدرش نیز یادآوری می‌کنند که ذهن کوش‌گری داشته است. هرچند شبانه در کارهای خانه با مادرش همکاری می‌کرده، روزی از شوق نوشتن و خواندن کارش را انجام نمی‌دهد. مادرش به او



می‌گوید: «من این کتاب‌ها را می‌سوزانم که تو را این قدر سرگرم کرده است.» شبانه آن شب با دل نالارم می‌خوابید که مبادا مادرش کتاب‌چه‌هایش را بسوزاند.

او همین‌گونه با اشتیاق و شور درس می‌خواند و برای آینده‌اش رویا می‌یافت. در تمام فرصت‌هایش

صمیمی می‌نمود. اکنون با سپری شدن دو سال آشنایی مان از طریق رسانه‌های اجتماعی، برای آشنایی بیشتر با هم قرار دیدار و گفت‌وگویی گذاشتیم.

شبانه می‌گوید در کابل زاده شده ولی



گزارش

کجه عادلہ آذین

در پس تصویرهای مستعار فیس‌بوک، دختری آکنده از هیجان و شوق، مملو از مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی خودنمایی می‌کند. از کتاب‌ها، میز مطالعه، کارگاه گل‌دوزی، کمپوتر، قلم، پیاله‌ی چای و قهوه، گل و... عکس‌های رنگارنگ می‌گرفت و در صفحه‌اش نشر می‌کرد. پیش‌تر فعال بود. شعر و جمله‌های کوتاه انگیزشی نشر می‌کرد. کنج‌کاو بودم در پس این تصویرها و متن‌ها در میان این همه آشوب و بدبینی چه کسی می‌تواند باشد؟

... سرانجام اتفاق افتاد!

تصویری از نیم‌رخش را در داستان (مستوری فیس‌بوکش) نشر کرد. نیم‌رخ او به زیبایی تصویرهایی می‌ماند که در صفحه‌ی فیس‌بوکش بارگذاری می‌کرد و متن‌هایی که نشر می‌کرد. از همان آغاز آشنایی مجازی مان پیدا بود که او به چند زبان بلدیت دارد. پشتو، فارسی، انگلیسی و اردو.

شبانه گرداننده‌ی برنامه‌های اجتماعی یکی از تلویزیون‌ها بود. هر از گاهی برنامه‌هایش را می‌دیدم و محو صحبت‌های او می‌شدم. او شاد و با اعتماد به نفس بالا و لب‌خند در برنامه‌اش ظاهر می‌شد. پس از آن هر از گاهی از طریق پیام‌خانه (مسنیجر) هم کلام می‌شنیدم و پیرامون برخی از سؤزهای فیس‌بوک مان جمله‌های کوتاهی رد و بدل می‌کردیم. او پشت این پیام‌ها هم فروتن، مثبت و

خانه‌داری چیست؟

به گفته‌ی سیمون دوبووار «هیچ زنی زن به دنیا نمی‌آید، بلکه زن می‌شود.» خانه‌داری هم یک امر ذاتی و شغل طبیعی زن نیست. عامل غریزی خاصی وجود ندارد که زن را در نگهداری خانه ملزم سازد، بلکه رفتارهایی عامل این کار شده است که باعث می‌شود مرد در مقام برتری دست یازد. یعنی فرهنگ خانواده‌گی جوامع انسانی از یک جایی به بعد در خدمت مردسالاری درآمد و هر رفتاری که بتواند زن را در مقام کهنتر و فرمانبردار تنزل دهد به یک اصل مبدل شد. پذیرش مسؤلیت‌ها و کار منزل و بچه‌داری که در مجموع به نام «خانه‌داری» یاد می‌شود یکی از این امور بود. حالا خانه‌داری یک شغل نه، که یک مکلفیت ذاتی زنان شمرده می‌شود.

«آینده‌ی ازدواج» نام کتابی است که جسی برنارد، جامعه‌شناس و فمینیست آمریکایی در سال ۱۹۸۲ میلادی نوشته است. جسی برنارد در این کتاب در مورد خانه‌داری و زنان می‌نویسد: «زن خانه‌دار، هیچ‌کس نیست و خانه‌داری کار بی‌پایان است که سرانجام به نابودی ذهن می‌انجامد... زن را از تمرکز بر روی کار مفید بازمی‌دارد، هم‌زمان که به تحمیق و کنسل کردن او دامن می‌زند. خانه‌داری، زنان را بیمار می‌کند.»

گویا فمینیست‌ها بیرون آمدن از خانه را یکی از مهم‌ترین راهکارهای تغییر رفتارها با زنان می‌پنداشتند. سیمون دوبووار نیز در کتاب «جنس دوم» بر اهمیت بیرون آمدن زنان از خانه و جدایی از نقش خانه‌داری تأکید کرده است.

به گفته‌ی او، «کم‌تر شغلی وجود دارد که به‌اندازه‌ی کار زن خانه‌دار به شکلی سزیدار نزدیک باشد؛ زن خانه‌دار هر روز باید طرف‌ها را بشوید، اثاث را گردگیری کند، لباس‌هایی را که روز بعد دوباره کنیف، خاک گرفته و پاره می‌شوند، رفو کند. زن خانه‌دار هیچ کاری نمی‌کند: کارهای یک شبانه‌روز را هر روز تکرار می‌کند، شاید یعنی زمان حال را ادامه می‌دهد؛ در او هیچ اثری از احساس توانمندی مستقل /عالمیت وجود ندارد، بلکه تنها احساس مبارزه‌ی بی‌وقفه با بدی را دارد. این بردی است که هر روز تجدید می‌شود. شستن، اتو کردن، جارو کردن، ردیابی کرم‌های قوز کرده در تاریکی کمد‌ها، این رفتار زنان در عین حال که متوقف کردن مرگ است، انکار زندگی نیز به شمار می‌رود. هدف‌های فوری زن خانه‌دار، وسیله‌اند نه هدف‌های واقعی... می‌توان دریافت که زن خانه‌دار برای آن‌که دل به کار بدهد، می‌کوشد فردیت خود را درگیر آن کند و به نتیجه‌های به‌دست آمده، ارزش مطلق ببخشد. زن خانه‌دار آیین‌ها و خرافه‌های خاص خود را دارد، علاقه‌مند است به شیوه‌ی خود‌میز را بچیند، سالون را مرتب کند، غذا پزند. زن خانه‌دار فقط خود را قانع می‌کند که اگر کس دیگری به جای او باشد، در تهیه‌ی کباب یا برق‌انداختن، به‌اندازه‌ی او موفق نخواهد شد.» این مشکل تاریخی و فراگیر زنان جهان است. زنان افغانستان نه تنها که از این

قاعده مستثنا نیست بلکه به دلایل خاصی بیش از دیگران درگیر خانه‌داری هستند. چرا خانه‌داری به زنان تعلق گرفت؟ سکینه سخی، در کابل مدافع حقوق زنان است. او که در دفتر خدمات حقوقی‌اش به صدها نوع چالش و دعوی زنان آشنا شده، به هفته‌نامه نیم‌بخ می‌گوید زنان از جایی تبدیل به خانه‌دار محض شدند که ما نقش‌های کاری و خانه‌داری را براساس تفکیک جنسیت تعریف کردیم؛ این که زن چه کاری را بکند و مرد کدام مسؤلیت را داشته باشد.

خانم سخی می‌گوید در همین هنگام بود که ما (انسان‌ها) نقش زن را انجام امور منزل تعیین کردیم. این یک تعریف عرفی است. فرهنگ، جغرافیا و شرایط زمان این نقش را برای زنان تعریف کرده است. این که زنان در خانه بمانند، لباس بشویند، غذا بپزند، بچه‌داری کنند و به نیازهای مرد رسیدگی کند. بدش این جاست که این نقش را ما (زنان) قبول کردیم. در ضمن، شریعت نیز در این تعیین نقش‌ها رول مهمی داشته است. شریعت و دستوره‌های دین (اسلام) نقش زن را کارهای درون منزل تعریف کرده است. این تفکیک دنیا مردان‌اند، بهترین کارگران خانه که محیط خانه را دیکور و دیزاین می‌کنند مردان هستند، بهترین لباس‌ها را مردان تولید و به بهترین شکل اتو می‌کنند. چون برای آنان تعریف شده که اگر این کار را درست انجام دهی معاش خوبی دریافت می‌کنی و این می‌شود کار بیرونی؛ اما در مقابل، وقتی زنان همین کارها را در خانه هر روز به بهترین وجه انجام می‌دهند هیچ معاش و امتیازی دریافت نمی‌کنند. در همان شریعتی که نقش زنان را انجام امور منزل تعریف کرده نیز از این بابت امتیازی برای زنان در نظر گرفته است. اما در عمل هیچ زنی به خاطر خانه‌داری پولی دریافت نمی‌کند. آنچه به زنان می‌رسد خوراک و پوشاک است تا نیرو و امکانات ادامه‌ی کار خانه‌داری را داشته باشند.

عرفی که در افغانستان حاکم است، از کودکی پسر را وادار به امور منزل نمی‌کند، اما دختران به گونه هدفمند و گاهی ناخودآگاه آموزش می‌بینند که طرف بشویند، خانه را صافی کند و از کودکان خانه نگهداری کنند. شما تصور کنید، زمانی که مهمانی می‌شود چه کسی طرف‌ها را می‌شوید؟ زمانی که وسایل برقی خراب شود چه کسی باید تعمیر کند یا به تعمیرکار برود؟

در این مورد، خانم سکینه سخی می‌گوید حتی در کتاب‌های دوره‌ی مکتب نوشته‌اند: «لیلا خانه را جارو می‌کند و احمد با توپ بازی می‌کند.» وقتی یک کودک دختر در مکتب آموزش ببیند که کارهای خانه وظیفه‌ی اوست و یک پسر آموزش ببیند که او در کارهای خانه مسؤلیتی ندارد، بدون شک در بزرگی نیز همین نقش‌ها را اجرا می‌کنند. طوری که این روزها می‌بینیم بسیاری از

مردان که در ظاهر امر به برابری جنسیتی باورمند شده‌اند، اما در عمل وقتی از سر کار به خانه بر می‌گردند نمی‌توانند بپذیرند که در کارهای خانه و بچه‌داری سهیم شود.

سکینه می‌گوید زنان خود در شکل‌گیری و تداوم این فرهنگ مقصراند. «ما زنان وقتی از بیرون به خانه می‌رویم، حتی اگر مرد از قبل در خانه بوده یا بی‌بی کار باشد، باز هم قیل از همه از شوهر می‌پرسیم که چای می‌خوری؟ بدون این که فکر کنیم او نیز در قبال ما مسؤلیتی دارد و حداقل چای و عصرانه را او آماده کند. ما خودمان نقش چندگانه را پذیرفتیم. این که چرا پذیرفتیم پیش‌تر بحث شد که عوامل محیطی، زمان و شرایط، عرف و فرهنگ اجتماعی نقش داشته است.

پس چرا این وضعیت تداوم یابد؟ زنان از چه می‌هراسند که نمی‌خواهد بر مردان نیز نقش چندگانه را تحمیل کنند و یا هر دو در خانه و بیرون با هم برابر و عادلانه نقش اجرا کنند؟

این مدافع حقوق زن با توجه به تجربه‌هایش در افغانستان می‌گوید از یکسو ما (زنان امروز) به خاطر تداوم بخشیدن این فرهنگ در قبال نسل آینده‌ی زنان مقصر هستیم. ما هنوز در پس‌کوچه‌های تفکر زن‌ستیزانه‌ی گذشته زنده‌گی می‌کنیم. ما هنوز نمی‌خواهیم به پسران خود نقش‌های درون خانه را بدهیم. ما هنوز فکر می‌کنیم که از یک گل بهار نمی‌شود، در حالی که هر زنی باید در درون خانه‌ی خودش این تغییر را به وجود بیاورد. ما می‌هراسیم که اگر شوهر یا بچه ما را به کارهای خانه واداریم و یا ذهنیت آنان تغییر کند و خودشان در خانه‌داری نقش بگیرند، دیگران چه خواهد گفت و جامعه چه قضای می‌خواهد کرد.

زنان خانه‌دار در افغانستان چه می‌کنند؟

خانه‌داری در افغانستان چند کار عمده را در بر می‌گیرد: شست‌ورفت و پخت‌وپز خانه و بچه‌داری. نه تنها این، در روستاهای افغانستان زنان کارهای زراعت و مال‌داری را نیز انجام می‌دهند. در افغانستان کم‌تر مرد را خواهید دید که روزمره بچه‌داری کند یا مصرف پخت‌وپز و یا شست‌ورفت خانه باشد. شاید در مواقع اضطراری با منت به این امور بپردازند، چون به گفته‌ی نازیه این کارها را مکلفیت و وظیفه‌ی اصلی زنان می‌دانند.

کار بیرون از خانه؛ حق یا امتیاز؟

نازیه محمدی، بانوی جوانی است که حدود سه سال پیش ازدواج کرده است. او و همسرش امین آرمان اکنون یک پسر دو ساله دارند. نازیه در کابل در اداره یک موسسه کار می‌کند. او در مورد شغل بیرونی و خانه‌داری زنان به هفته‌نامه نیم‌بخ گفت: «در بحث اشتغال، زنان افغانستان با دو معضل مواجه‌اند. نخست این که مسؤلیت خانه‌داری کامل به دوش زنان افتاده و خودشان از رشد بازمانده‌اند، البته که جامعه نیز از پوتانسیل وجودی آنان محروم مانده؛ دودگر نقش زنان شاغل چندگانه شده است.»



حسین احمدی

به گفته‌ی او، رفتن در کار بیرون از خانه را خود زنان می‌کنند، اما خانه‌داری مکلفیتی است که از قبل برای شان تعریف و تعیین شده است.

نازیه در مورد عمل کرد زنان برای تقسیم عادلانه‌ی کارهای بیرون و خانه میان زن و شوهر یا مردان و زنان خانه در افغانستان می‌گوید: «زنان در این حصه موفق نشدند تا به شوهر و اعضای خانواده بفهمانند که رفتن در اداره از سر شوق نیست بلکه بیش‌تر به خاطر مسؤلیت‌پذیری و همکاری در تأمین معیشت خانواده صورت می‌گیرد؛ پس بچه‌داری و خانه‌داری نباید مثل گذشته مطلق به دوش زنان بماند.»

نازیه می‌گوید «امن و همسر (امین) هر دو هم‌زمان هم شاغل هستیم و هم خانه‌دار. من به عنوان یک زن در بیرون از خانه فقط برای دست یافتن به استقلال مالی کار نمی‌کنم، چون پس از تشکیل زندگی مشترک هر آنچه عاید می‌کنیم صرف خانه و برای آینده‌ی فرزندمان است، بلکه ما به خاطر مسؤلیت‌پذیری در تأمین معیشت خانواده و رشد فردی به اداره‌های کار می‌رویم و کارآفرینی می‌کنیم.»

کار بیرون از خانه که اکثر دستمزد نقدی دارد، هم در سطح کوچک مثل خانواده و هم در سطح کلان یک جامعه و یک دولت می‌تواند برای هر فردی به ویژه زنان موثر باشد. میزان درآمد اقتصادی همان‌گونه که تعیین کننده‌ی کیفیت زندگی افراد است، میزان صلاحیت فرد در خانه و جامعه را نیز تعیین می‌کند. زنانی که به استقلال مالی دست یافته‌اند و به آگاهی لازم رسیده‌اند کم‌تر متحمل خشونت و محدودیت می‌شوند.

مردانی که همسر (زن) شان به استقلال مالی دست یافته‌اند نیز می‌پذیرند که به حقوق و آزادی‌های زن احترام بگذارد. چون زنی که توانمندی پیش بردن زندگی مستقلانه (خارج از چارچوب خانواده) را دارد هرگز محدودیت و خشونت را تحمل نمی‌کند؛ قدرت اعتراض و جسارت گسست از رابطه‌ها را هم دارد. اما در افغانستان تاحدودی این اصل عملی نشده است.

انبوه‌سازی چند نقش بر زنان؛ همه جا کار

امین آرمان که توانسته ساختارهای عرفی در مورد نقش زن و مرد در خانه را بشکند، مبارزه‌ی زنان برای رفتن در بیرون از خانه را کافی نمی‌داند و

ادامه از صفحه ۱

شبانه دوران؛ دختری که...

دوران) که اسم دیگر اوست فعالیت می‌کند. صفحه‌ی رخنه‌نامه (فیس‌بوک)‌اش را نیز حک کرده و از بین می‌برند. اما پدرش فشارغ از این‌همه به حمایت او می‌پرداخت و می‌گفت: «هماغسی چی یو هلک کار او پرمختگ کوی، ته هم کولای شی، نو ادامه ورکړه.» او در کنار حمایت خانواده‌اش رفتن به راهی را که برگزیده بود ادامه داد. هرچند از سبب هجوم آزارها نمی‌توانست به کوچه و بازار به راحتی برگردد. در محل کار هم مواردی را می‌بیند که سخت روانش را می‌خراشد. روزهایی بوده که در راه از این که پاسخ حرف‌های نابه‌جای کسی را داده نمی‌توانسته با گریه به خانه برمی‌گشته. در ادامه‌ی آزار در محل کار ناگزیر می‌شود که از کارش استعفا بدهد و مدتی در خانه منزوی شود. می‌گوید با خود می‌گفتم: «دا خندونه نن شته خوشبنا نشته، زه هیخ کله د خپل هوډ خڅه شاته نه ګرځم.»

پس از گذشتن مدت شش ماه دوباره در رسانه‌ی دیگری به گرداننده‌گی می‌پردازد. در خانه برای خود سرگرمی سودمندی را برمی‌گزیند: کتاب خواندن. او در این مدت می‌خواند و می‌خواند و می‌خواند. آن‌قدر با تعال مطالعه می‌کند که دیدش نسبت به همه چیز تغییر می‌کند و به زبان‌های فارسی، اردو و انگلیسی مسلط می‌شود.

این مطالعه پسان‌ها تأثیر غیر منتظره‌ی

زیادی بر کارش گذاشت. همین‌گونه هنگام مطالعه متوجه شد که کتاب‌های سودمند زیادی است که باید به زبان مادری‌اش (پشتو) وجود داشته باشد و خوانده شود. همین می‌شود که تصمیم می‌گیرد کتاب شعری را که بیش‌تر می‌پسندد (Milk and Honey) اثر خانم روپی کارو نویسنده‌ی هندی را به زبان پشتو با عنوان (شات او شوده) برگردان کند. کتاب تازه‌ی دیگرش نیز زیر چاپ است و اشتیاق دارد بیش از این‌ها بخواند و بنویسد. یک سال پس از آغاز کارش در عرصه‌ی رسانه، دانش‌جوی رشته‌ی اداره و تجارت در یکی از دانشگاه‌های کابل شد. دوست دارد در زمینه‌ی رشته‌ی تحصیلی‌اش کار کند. اکنون با هویت (اسم و تصویر) خودش در دنیای مجازی فعالیت می‌کند. «سینگار» نیز اسم برنده‌ی لباسی است که او راه‌اندازی کرده است. ظاهراً روحش با انجام کارهای کوچک خرسند نمی‌شود. از همین رو به هر دری می‌زند تا کاری بکند. او می‌خواهد به اندازه‌ی کار بازرگانی‌اش را گسترش دهد تا زمینه‌ساز کار برای زنانی شود که در بازار نمی‌توانند با فکر آسوده کار کنند.

شبانه دوران حالا دختر جوان ایده‌آلی است که در کودکی رویایش را دیده بود اما حالا رویایی دارد که هر دختر دیگر سرزمینش دارد و می‌خواهد کشورش همان ایتوپیایی (جهان آرمانی) باشد که در گذشته تنها در رویاها ممکن بوده است.

زنان در مسیر تاریخ



زنان مصری) و «مجمع مادران آینده» (در ۱۹۲۱) و «مجمع زن نوین» (در ۱۹۱۹) دست به وجود آمدند. زنان مصری عضو آن دسته از نهادهای سیاسی زنان شدند که از احزاب مردم حمایت می‌کردند یا در نقش دستیاران سیاست‌گذاران برجسته و شرکت‌کننده‌گان در شورش‌ها و تجمع‌ها در امور سیاسی فعال شدند. در سه دهه‌ی آغازین قرن بیستم، طرفداران تساوی حقوق مرد و زن در بحث‌های ملی پدیدار شدند. مباحث مربوط به آزادی زنان در این دوران نمودار شد. به طور مثال مالک هفتی نساف در تحلیل‌های نافذ و فصیح خود به مسأله‌ی حقوق زنان توجه نمود. تنش‌های انتقادی نیز در گفت‌وگوهای طرفداران تساوی حقوق زنان و مردان ظاهر شدند. یکی از دو شاخه اصلی کامل متضاد نهضت زنان به صدای غالب در مصر و خاورمیانه عربی تبدیل شد و دیگری تا دهه‌های

ادامه از صفحه ۴

دستیابی به تساوی حقوقی، اجتماعی، سیاسی، راهیابی زنان به موسسه‌های تحصیلی در تمام سطوح، اصلاح قوانین ازدواج به خصوص قوانین مربوط به چند زنی و طلاق و تعیین حداقل سن ازدواج برای دختران. تأمین مالی این اتحادیه در ابتدا و برای مدتی بر شروی تحمیل شد که دارای ثروت شخصی زیادی بود. در اواخر دهه‌ی ۱۹۲۰ میلادی، عضویت این اتحادیه به حدود ۲۵۰ نفر رسید. در ۱۹۲۳، در پاسخ به دادخواستی تنظیم شده از سوی اتحادیه آزادی خواهان برای زنان، پارلمان مصر قانونی را به تصویب رسانید که حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۶ سال و برای پسران ۱۸ سال باشد. با وجود این، هیچ پیشرفتی در زمینه‌ی تغییر قوانین ازدواج دیده نشد.

راه‌های مهم پیشرفت زنان هم به حساب می‌آمد. بنابراین برای ترفیع رشد فکری زنان نهادهایی توسط زنان مصری تأسیس شد. «مجمع پیشرفت زنان» در ۱۹۰۸ بنا نهاده شد و خط مشی اسلامی محافظه‌کارانه‌ای را در پیش گرفت. نهاد دیگری موسوم به «انجمن معنوی مصری» در ۱۹۱۴ میلادی به وجود آمد که از بنیان‌گذارانش هدی شروی (رهبر طرفداران تساوی حقوق زن و مرد در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ بود)، مالک هفتی نساف در ماه مارچ ۱۹۱۳ کمک به برپایی «اتحادیه فرهنگی زنان» نمود. وی طرح ده ماده‌ای برای بهبود وضع زنان به اولین کنگره‌ی مصری در ۱۹۱۱ میلادی تقدیم کرد. ولی با این طرح با وجود میانه‌رو بودن آن، مخالفت شد. نهادهای دیگری از جمله: «مجمع دوره‌ی تجدید



برویم نقش زنان شاغل و متأهل هرگز دوگانه نمی‌شود: «نقش من دوگانه نشده؛ زیرا در خانه‌ی ما درک متقابل و نگاه انسانی وجود دارد. این دیدگاه وجود ندارد که زن باید خانه‌داری کند، و این نگاه هم وجود ندارد که چون زن در بیرون کار می‌کند پس کل کار خانه‌داری به دوش مرد بیفتد.»

ولی سکیته سخی در مورد ریشه‌های تفکیک نقش‌ها براساس جنسیت می‌گوید: مسأله‌تها این نیست که نقش‌های خانه‌داری و کار بیرون عادلانه تقسیم شود، حتی اگر مرد باورمند به برابری پیدا شود و امور خانه‌داری را نیز بپذیرد، وقتی زن در بیرون از خانه می‌رود در محل کار دچار تبعیض است، حتی در جوامع زن‌سالار و باورمند به برابری جنسیتی نیز این یک معضل است که معاش زن نسبت به مرد کمتر در نظر گرفته می‌شود. چرا؟ چون هنوز فکر می‌کنند زنان مسئول تأمین خرج خانه نیستند پس معاشی را در نظر بگیریم که بشود با آن دست خرج روزمراهش را تأمین و یا پس‌انداز کند. درحالی‌که زنان به آن پول نیاز دارند تا خرج خانواده‌شان را بپردازد و به برنامه‌های بلندمدت‌شان برسند.»

فرهنگ‌سازی؛ خودآگاهی و آموزش‌دهی از طریق معارف

فکر برابری طلبی و باورمندی به برابری انسانی از کجا بیاید تا نقش‌های کاری، مکلفیت‌های خانوادگی و مسؤولیت‌های اجتماعی براساس جنسیت تفکیک نشود؟

امین آرمان که توانسته تقسیم‌بندی نقش‌ها در خانه و بیرون براساس تفکیک جنسیت را زیر پا کند، باورمند است که این برابرخواهی از آگاهی و از درک مسؤولیت می‌آید: «تا زمانی‌که فرد مسؤولیت خود در جامعه و خانواده را نشناسد، نمی‌تواند به این باورمندی دست یابد. شما فکر می‌کنید به عنوان مرد «جنسیت برتر» استید یا با خانم‌ها برابری‌د؟ درک این مسأله بسیار ساده است. سنت‌ها و فرهنگ حاکم در جامعه تفاوت‌های جنسیتی را به بار آورده و اگر در جایی این فرهنگ و اجتماع به زنان ظلم کرده، من به عنوان یک انسان نباید این ظلم را اعمال کنم؛ در جامعه‌ی ما به ویژه زوج‌های جوان که اکثر زن و مرد شاغل هستند پیش از ازدواج پیش‌تر روی خود عشق تمرکز دارند. اما بعضی چیزها را تجربه ثابت می‌کند. اگر همه‌چیز در ابتدا آگاهانه انتخاب شود و جوانان پیش از ازدواج به مسؤولیت‌های اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی ازدواج فکر کنند، روی مکلفیت‌های پس از ازدواج هم گپ می‌زنند. باید مشخص کنند که در انجام امور خانه و همکاری برای رشد همدیگر کار کنند؛ نه این‌که پس از ازدواج بار سنگین و مکلفیت‌ها روی دوش یک طرف بیفتد.

سکیته سخی نیز باورمند است که این تغییر باید فرهنگ‌سازی شود: «رسانه‌هایی مثل شما (نیم‌رخ) به این مسایل بپردازند. دولت باید در نصاب آموزشی این تفکیک نقش‌ها براساس جنسیت را تغییر دهد و کودکان را باورمند به برابری انسانی برآورد.»

سر کار آمدن راحت شدم. مهم نیست که بی‌کار شدم. می‌توانم پس از این‌بیش‌تر در خانه بمانم و بچه‌داری کنم یا بهتر آنسوی کنم. اما یک مرد هرگز چنین تصور نمی‌کند. بی‌کار شدن از بیرون برای مرد تنگ است و مردان همیشه نگران‌اند که مبادا کار بیرونی را از دست دهند ولی زنان کم‌تر دنبال کار بیرون از خانه می‌گردند. این رویکرد زنان خوب نیست زیرا به بقای نقش خانه‌داری به عنوان شغل ذاتی زنان کمک می‌کند.»

هراس دختران از خانه‌داری

مریم مقدس، پزشک است. او روزها در یک مرکز صحتی کار می‌کند و بقیه وقتش را مصروف آموزش زبان و کارهای خانه است. مریم پایه‌های دیگر اعضای خانواده‌اش خانه‌داری می‌کند. او به هفته‌نامه نیم‌رخ گفت: «برای پیشبرد زنده‌گی نیاز نیست نقش‌ها را به گونه‌ای تعریف کنیم که چه کسی در خانه بماند و چه کسی در بیرون کار کند. اما بنابر عرفی که در میان خانواده‌های افغانستانی مروج است، بیش‌تر زنان پس از ازدواج شغل‌شان را از دست می‌دهند و تبدیل به زن خانه‌دار می‌شوند. این هراس در دختران جوان نیز وجود دارد که مبادا پس از ازدواج تبدیل به یک زن خانه‌دار شود و دیگر فرصت‌ها را از دست بدهند.»

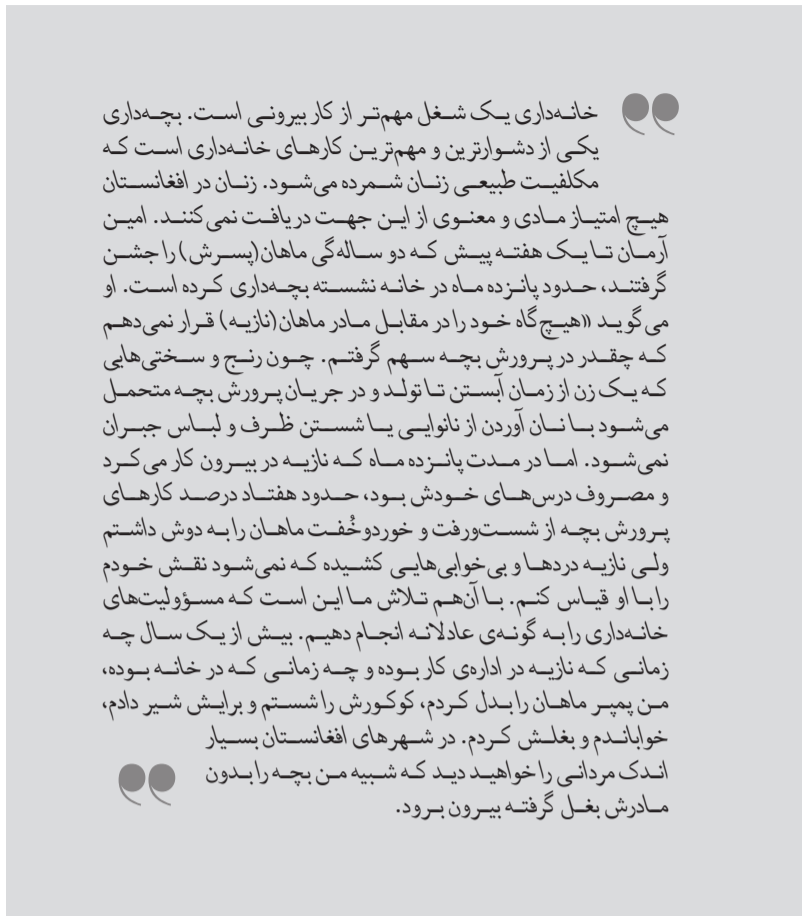
اما مریم خودش را از این قاعده مستثنا می‌کند. او می‌گوید: «در زنده‌گی متأهلی این احتمال وجود دارد که در مواقعی ما میان دو انتخاب سخت گیر کنیم؛ یعنی شغل بیرون و کارهای خانه. اما مدیریت این اوضاع وابسته به توانمندی خود زنان است. ما باید کار بیرون را از کار خانه تفکیک کنیم یعنی نه به‌خاطر خانه‌داری شغل مان را رها کنیم و نه برای کار بیرون که درآمد تقیدی دارد، از انجام امور خانه بازمانیم. من به خود باورمندم که پس از ازدواج هر دو را هم‌زمان مدیریت خواهیم کرد و کسی نیز قدرت اعمال محدودیت بر من را نخواهد داشت.»

الگوی برابری؛ تقسیم نقش‌ها به صورت عادلانه

به باور آرمان، برابری انسانی می‌تواند راهگشا باشد. تقسیم کارها میان زنان و مردان به گونه‌ی منصفانه باشد و بر سر مسایل کاری داخل و بیرون از خانه تفاهم داشته باشند.

در همین حال، نازیه در مورد کلیت فرهنگ جامعه سخن گفت چون روش و امکانات زنده‌گی هر خانواده‌ای متفاوت است. اما در مورد زنده‌گی خودش با آرمان گفت: «من هم در بیرون از خانه در یک اداره کار می‌کنم و هم در داخل خانه مسؤولیت‌هایی را به دوش دارم. با آنکه امین نیز در بیرون شغل دیگری دارد ولی در خانه کارهایی را انجام می‌دهد که جامعه مختص برای من تعریف کرده بود. من به عنوان زن شاغل در خانه زیاد کار ندارم، چون امین بخش زیادی از کارهای خانه را انجام می‌دهد. با آنکه کارهای ما تقسیم شده نیست ولی امین ضمن بچه‌داری، کارهایی مثل شستن لباس و یختن غذا و گرم کردن بخاری در زمستان را نیز به عهده می‌گیرد.»

نازیه می‌گوید اگر با چنین تفاهمی به پیش



در شهرهای افغانستان بسیار اندک مردانی را خواهید دید که شبیه من بچه را بدون مادرش بغل گرفته بیرون برود.»

انتخاب‌خانه‌داری

وحیده، زنی ست که شانزده سال عمرش را صرف آموزش کرد و مصروف کار در یک اداره شد. برای او شاغل بودن و داشتن استقلال مالی حس خوبی داشت چون در تصمیم‌گیری و صلاحیت‌داری خانه سهیم شده بود. اما وحیده ازدواج کرد و اکنون یک فرزند دارد. پس از ازدواج به آموزش دوره‌های بالاتر تحصیلی وقت نگذاشت و سر کار هم نرفت. او اکنون ترجیح می‌دهد در خانه بماند.

وحیده در گفت‌وگو با هفته‌نامه نیم‌رخ گفت: «ببین، من دوست دارم و قسم را با فرزندم بگذرانم. روزانه بروم باشگاه زنانه، وقتی دلم هوای بیرون کرد، با دخترم بروم شهر بازی، کتاب بخوانم. نسبت به کاری که صبح می‌روی و شب می‌آیی خانه و اولاد از راه خود می‌رود، ترجیح می‌دهم در خانه بمانم.»

در ظاهر امر این انتخاب آگاهانه بوده، اما شرایط کاری و زمان در این انتخاب نقش داشته است. او می‌گوید: «در صورتی که معاش خوبی داشته باشم که پول آن آینده‌ام را تحت تأثیر قرار دهد، ترجیح می‌دهم کار کنم.»

سکیته سخی می‌گوید این رویکرد زنان هم اشکال دارد. اگر یک زن کار بیرونی‌اش را از دست دهد با خیال راحت می‌گوید: «از جنجال

عرفی گذشته که زنان بی‌سواد پذیرفته بودند بیرون شویم.

بچه‌داری و مردان خانه‌دار

خانه‌داری یک شغل مهم‌تر از کار بیرونی است. بچه‌داری یکی از دشوارترین و مهم‌ترین کارهای خانه‌داری است که مکلفیت طبیعی زنان شمرده می‌شود. زنان در افغانستان هیچ امتیاز مادی و معنوی از این جهت دریافت نمی‌کنند. امین آرمان تا یک هفته پیش که دو ساله‌گی ماهان (پسرش) را جشن گرفتند، حدود پانزده ماه در خانه نشسته بچه‌داری کرده است. او می‌گوید «هیچ‌گاه خود را در مقابل مادر ماهان (نازیه) قرار نمی‌دهم که چقدر در پرورش بچه سهم گرفتم. چون رنج و سختی‌هایی که یک زن از زمان آستن تا تولد و در جریان پرورش بچه متحمل می‌شود با نان آوردن از ناوایی یا شستن ظرف و لباس جبران نمی‌شود. اما در مدت پانزده ماه که نازیه در بیرون کار می‌کرد و مصروف درس‌های خودش بود، حدود هفتاد درصد کارهای پرورش بچه از شست‌ورفت و خوردوخت ماهان را به دوش داشتم ولی نازیه دردها و بی‌خوابی‌هایی کشیده که نمی‌شود نقش خود را با او قیاس کنم. با آن‌هم تلاش ما این است که مسؤولیت‌های خانه‌داری را به گونه‌ی عادلانه انجام دهیم. بیش از یک سال چه زمانی که نازیه در اداره‌ی کار بوده و چه زمانی که در خانه بوده، من پمپر ماهان را بدل کردم، کوکورش را شستم و برایش شیر دادم، خواباندم و بغلش کردم. در شهرهای افغانستان بسیار اندک مردانی را خواهید دید که شبیه من بچه را بدون مادرش بغل گرفته بیرون برود.»



است که حتی اگر یک مرد در خانه و بی‌کار هم باشد در کارهای خانه هیچ سهم نمی‌گیرد و یا کم‌تر سهم می‌گیرد. وقتی زن از کار اداری یا کارهای شاقه‌ی بیرونی به خانه برمی‌گردد با خرواری از طرف‌های نشست، لباس‌های کثیف و بچه‌ی گرسنه مواجه می‌شود.

سکیته سخی در این مورد گفت: درست است که زنان این توانایی را دارند اما «هم‌جا کار» سخت است. شما به وفور زنانی را می‌بینید که در اداره یک رییس یا مأمور موفق است و در خانه هم کل امور خانه‌داری را انجام می‌دهد. زنان این کارها را بنابر توانایی و تحملی که دارند انجام می‌دهند، اما این رویه ناعادلانه است. چون اگر یک مرد در بیرون رییس باشد در خانه هم ادای ریاست را درمی‌آورد. ولی ضرور است که دید ما نسبت به کار زنان در خانه تغییر کند. باید نقش خانه‌داری از نو تعریف شود و ما از آن چوکات

ادامه از صفحه ۱

چرا شاعر و ادیب ما رسالت‌مند نیست؟



رسالت‌مند و حافظ اصالت ادبیات می‌دانند. درحالی‌که این عده یا نمی‌دانند که ادبیات چیست و رسالت ادبی چه را می‌گویند و اصالت ادبیات در چیست؟ یا این‌که زیرکانه می‌خواهند هم لعل به دست آرند و هم دل یار نرجانند.

تاریخ ادبیات جوامع مختلف از جمله اروپا را وقتی مطالعه می‌نمایید به وضاحت مشاهده می‌کنید که نخست‌گان، شاعران و خبرنگاران با داشتن حسن خدمت به جامعه و تحلیل و توضیح وضع اجتماعی، حتی در جبهه‌های جنگ‌ها رفته‌اند. آن‌ها به جبهه رفتند تا داستان‌های جنگ، بی‌عدالتی‌ها در جنگ، بی‌رحمی‌ها و قساوت‌ها، عاطفه‌ها و احساسات آدم‌های درگیر جنگ را مستندسازی کنند. نه تنها در جنگ‌های نظامی، بلکه در جنگ و کشمکش‌های ایدئولوژیک و عقیدتی نیز اشتراک فعال داشته‌اند. هرگز از ابراز عقیده و اندیشه‌ای که به نفع انسان و بشریت بوده هراس نداشتند. ادیبان، خبرنگاران و شاعران اروپا هرگاه تشخیص داده‌اند که جامعه به اندیشه‌ی نوی ضرورت دارد تا جاگزین اندیشه‌های کهنه شود با تمام تگ‌دستی به تفکر پرداخته‌اند. در نتیجه اندیشه خلق کرده‌اند. فسادانگیزی و بی‌مایگی اندیشه‌ها و فلسفه‌های کهنه و ادبیات و فرهنگ‌های گمراه‌کننده را به باد انتقاد گرفته‌اند. در دوره‌ی رنسانس اروپا می‌بینید که نویسندگان، فیلسوف، شاعر، محقق و تاریخ‌نگار همه دست به دست هم دادند تا جامعه از ستم کلیسا و پاپ‌ها،

عرصه‌ی ادبیات رسالت‌مند را خالی می‌سازند و خود را نیز بدون آن‌که متوجه باشند بوک و مردود تاریخ می‌گردانند. امروز شما کم‌تر در ادبیات ما، منشأ و مبدأ درد و رنج مردم را می‌یابید. روی گپ با ادیبانی است که وقتی در محافل و مجالس روشن‌فکری حضور پیدا می‌کنند با تمام پُروبی هنوزهم خود را خدمت‌گزار ادبیات متعهد،

به جای او فکر کند و تصمیم بگیرد. دوره‌ی قیام است، دوره‌ی اولیاست، از جمله اولیای فقیه: زیر نام‌هایی چون پاپ، شیخ، مفتی، مرشد، کاهن و سَختن.

سودجویان عرصه‌ی ادبیات در افغانستان همان‌گونه که در بالا یاد شد با پوده‌اندیشی روشن‌فکرانه در دهه‌ی هفتاد و هشتاد، بدون شک

این سرایش و نوشتن چه چیزی یا کدام اندیشه را می‌خواهند در جامعه پیاده نمایند. این جا کاری به کاری معشوقه‌بازی‌ها، درد هجران «اکثر شاعران» و خاطر‌پردازی‌های نوجوانی شان نداریم. بحث شعر عاشقانه بحث جدا و کامل سلیقه‌ای است. این‌جا منظور از آثار اجتماعی در ادبیات می‌باشد. درذو‌ترین مسأله این است که ادیب‌ها در دهه‌ی چهل با اندیشه پیوند پیدا می‌کنند. مردم‌گرایی و تعالی و ترقی جامعه‌ی جسته و گریخته در داستان، شعر و تحلیل‌ها ظاهر می‌شود. ولی پروسه‌ی سیاسی‌سازی در جامعه به ویژه در بین روشن‌فکران از سوی منابع خارجی سد اندیشه در ادبیات غیرسیاسی می‌شود. ادبیات و ادیب ما باید خودآگاهی داشته باشد، روان جامعه و نیازمندی‌های عصرش را درک نماید، دارای بینش ره‌گشا و رهبری فکری باشد، جامعه‌ی خود را ارزیابی دقیق کند -نه از راه اندیشه‌های وارداتی بلکه با خودآگاهی اوضاع را پیش‌بینی نماید- با منطق خود و به دور از تقلید به نتیجه برسد. اما عکس آن، در واقعیت ادبیات و ادیبان ما با سیاست‌های مزورانه و سودآور پیوند پیدا می‌کند. این پیوند را به مظهر روشن‌فکری و عدالت‌خواهی توجیه می‌نمایند. این دوره را به گفته‌ی کانت «دوره‌ای می‌یابیم که انسان در آن شجاعت ندارد تا خود نیروی فهم خویش را به کار گیرد.»

از همین رو، شاعر و نویسنده به مثابه‌ی فرد نابالغی است که قیمی برایش تعیین کرده‌اند تا

تیرباران زنان در شمال کشور؛ رویکرد واقعی طالبان با زنان

جمیله که سه سال داشت باشنده‌ی اصلی ولایت بلخ بوده است. او برای دیدوبازدید خویشاوندانش به فاریاب آمده بود، اما در بین راه به دست مردان مسلح ناشناس می‌افتد که او را از موتر پیاده کرده در برابر چشمان دو کودک خردسالش با ضرب گلوله کشتند. دفتر ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر در ولایت فاریاب اعلام کرد که این زن به اتهام این که شوهرش سرریز اردوی ملی است، کشته شده است.

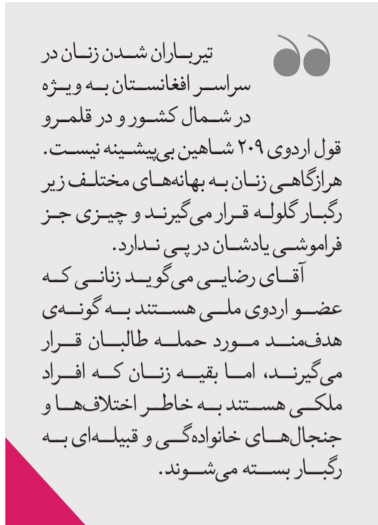
وابستگان نیروهای امنیتی در همه جا هدف قرار می‌گیرند. چند ماه پیشتر از جمیله، دو زن که شوهران شان عضو پولیس ملی بودند در ولایت بدخشان نیز به دست جنگجویان طالبان افتادند؛ یکی کشته شد و دیگری زخمی.

اما در ولایت‌های شمال کشور، با گلوله کشتن زنان به یک امر عادی تبدیل شده است. براساس گزارش‌های دفتر ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر در ولایت فاریاب، طی سال گذشته خورشیدی ۲۸ مورد قتل زنان با ضرب گلوله ثبت شده است که عامل اکثر این قتل‌ها یا عضو گروه طالبان استند و یا در ساحه تحت کنترل طالبان زنده‌گی می‌کنند.

در همین حال، حنیف رضایی، ولایت سرپل را نیز برای زنان ناامن می‌خواند و می‌گوید در ماه گذشته دو زن عضو پولیس ملی توسط جنگجویان گروه طالبان گلوله‌باران شدند که جسد یکی از آنان چند هفته بعد پیدا شد.

این درحالی است که در ولسوالی سانچارک ولایت سرپل پس از محکمه صحرایی گروه طالبان یک مرد و یک زن به اتهام داشتن روابط نامشروع بازداشت و شکنجه شدند و سرنوشت مرگ و زنده‌گی آنان تاکنون معلوم نیست.

براساس گزارش وزارت امور زنان خشونت‌ها علیه زنان در افغانستان طی نه ماه نخست سال جاری خورشیدی به بیش از ۲۶۰۰ قضیه رسیده است. از این جمله، ۱۵۴ قضیه خشونت حاد شامل قتل، تجاوز و اختطاف است. بیش‌تر قتل‌ها در مناطق تحت کنترل گروه طالبان به ویژه در شمال کشور رخ داده است.



فاطمه رجبی در ولسوالی مقر ولایت غزنی به دست جنگجویان گروه طالبان افتاد و سپس منابع محلی اعلام کردند که بررسی‌ها نشان داده که طالبان او را با دستنشان به دار آویخته گلوله‌باران کرده‌اند.

گروه طالبان نه تنها زنان عضو نیروهای امنیتی، بلکه زنان ملکی را نیز به جرم نداشته با گلوله مجازات می‌کنند.

به تاریخ نهم سرطان سال گذشته در ولسوالی قیصار ولایت فاریاب جنگجویان گروه طالبان یک زن را به اتهام خیانت به شوهر به رگبار بستند و کودک سه‌ساله‌اش را نیز کشتند. نه تنها این، طالبان در نهم ماه میزان امسال در ولسوالی پشتونکوت این ولایت یک زن حامله را جلوی چشم دو کودک کشتند.

آنزمان، کریم یورش، سخنگوی پولیس فاریاب به رسانه‌ها گفته بود که این زن به نام

محکمه صحرایی و گلوله‌باران شدند. حکومت محلی، اما در تأمین امنیت شهروندان به ویژه زنان ناکام بوده و نتوانسته تاکنون زنان شمال کشور را از زیر رگبار گلوله‌های جنگجویان طالبان نجات دهند.

در همین حال، حنیف رضایی، سخنگوی قول اردوی ۲۰۹ شاهین می‌گوید «این رویکرد طالبان است که زنان و کودکان و افراد ملکی را نیز هدف حملات‌شان قرار می‌دهند، تمام بدیختی‌ها و ناامنی افغانستان از یک آدرس مشخص (طالبان) سرچشمه می‌گیرد.»

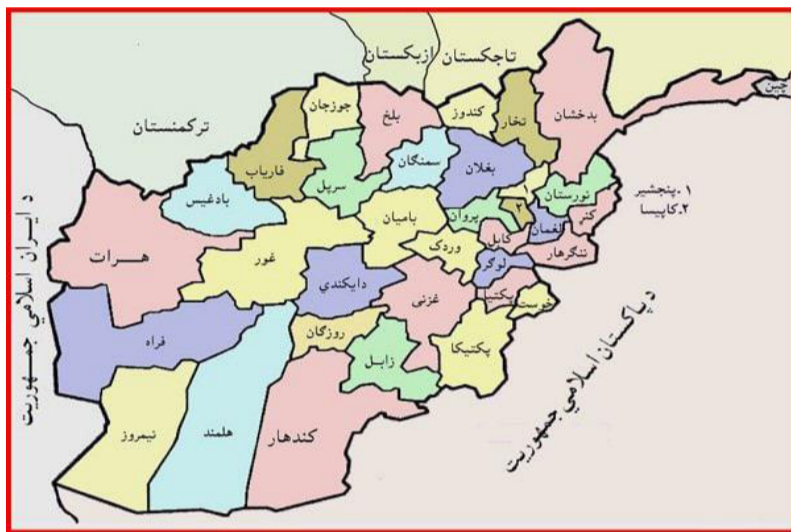
اما تیرباران شدن پرسونل زن نیروهای امنیتی نیز پیشینه‌دار است. به تاریخ ۲۲ سرطان سال جاری خورشیدی نیز در ولایت غزنی جنگجویان طالبان یک پولیس مبارزه با مواد مخدر را اختطاف نمودند و جسدش را برای خاکسپاری روی دست مردم گذاشتند.

به گفته‌ی سیفالرحمان رحمانی، ولسوال زاری ولایت بلخ این زن ۴۵ ساله هفت کودک داشته و نزدیکی ساختمان فرماندهی پولیس و ولسوالی زاری زنده‌گی می‌کرده است.

ولسوال زاری ارتباط این خانم با نیروهای امنیتی را رد می‌کند و می‌گوید جنگجویان طالبان با رویکرد زن‌ستیزی که دارند، ابتدا او را ربوده به مناطق تحت کنترل‌شان بردند، سپس به رگبار بستند.

با وساطت مردم محل جنگجویان طالبان جسد این خانم را به اقوامش سپردند، اما داستان گلوله‌باری طالبان بر زنان بلخ در این جا ختم نمی‌شود.

بلکه براساس گفته‌های منابع محلی و به تأیید سخنگوی قول اردوی ۲۰۹ شاهین، در یک ماه گذشته زن دیگری نیز در ولسوالی زاری توسط جنگجویان طالبان بدون کدام جرم و اتهامی



شرقی تقویت کنند. بنابراین با نظر بسیار مشکوکه به واردات ایدئولوژی غربی که احتمال داشت روابط اجتماعی را تغییر دهد با اعتقادات مذهبی را تضعیف می‌کند می‌نگریستند. آن‌ها به خصوص نسبت به نهضت طرفداری از آزادی زنان ظنین بودند و آن را حمله‌ی مستقیم به خانواده به عنوان قدرت‌منمتر بین واحد اجتماعی می‌دیدند. آن‌ها باور داشتند که به منظور پایان بخشیدن به تسلط و نفوذ خارجی‌ها باید «سنت» مستحکم شود و در برابر هرگونه کوششی برای تحول اجتماعی به خصوص در وضع زنان مقاومت شود. نهضت‌های زنان مصری

هدی شروی (۱۸۷۹ - ۱۹۴۷) «اتحادیه طرفداران آزادی زنان مصری» را در ۱۶ مارچ ۱۹۲۳ میلادی تأسیس کرد. قانون اساسی که در اپریل ۱۹۲۳ به عموم معرفی شد حق رأی را محدود به مردان نمود و از قرار معلوم، شروی این اتحادیه را با هدف مبارزه برای کسب حق رأی برای زنان بنیاد نهاد. موفقیت سیاسی و نهادی جنبش طرفداری از آزادی زنان به کسب پیروزی‌هایی در زمینه مشارکت سیاسی منجر شد. هیأتی از این اتحادیه در کنفرانس روم موسوم به «اتحاد بین‌المللی زنان» در ماه می ۱۹۲۳ شرکت کردند. در بازگشت از این سفر بود که به محض پیاده شدن از قطار در ایستگاه راه آهن قاهره، شروی و نبوی حجاب خود را به عنوان عمل نمادین برای آزادی برداشتند. شروی، شاید در تمام عمرش برای این حرکت برنامه‌ریزی کرده بود.

اتحادیه طرفداران آزادی زنان اساس‌نامه‌ای را به تصویب رساند و هیأت مدیره و کمیته‌ی اجرایی را برای پیشبرد هدف‌هایش انتخاب کرد. این هدف‌ها عبارت بودند از: بالا بردن سطح اخلاقی و روشن‌فکری زنان مصر، قادر نمودن آن‌ها برای

صفحه ۲

زنان در مسیر تاریخ

قسمت بیست و هشتم

فعالیت‌های آزادی خواهانه‌ی زنان در مصر ابتدا با تلاش اصلاح طلبان دینی آغاز شد. از قاسم امین اغلب به عنوان «پدر» نهضت آزادی زنان در جهان عرب یاد می‌کنند. وی یکی از پیروان اصلاح طلب بزرگ مسلمان، محمد عبده بود که همراه با جمال‌الدین افغانی یکی از شخصیت‌های مهم سنت آزادی خواهی عرب به شمار می‌آمد. کتاب‌های قاسم امین (آزادی زنان) در ۱۸۹۹ میلادی و (زن نوین) در ۱۹۰۰ به چاپ رسیدند و غوغایی را در بین محافظه‌کاران برپا کردند. امین مسایل مربوط به آموزش و پرورش زنان - البته نه در سطحی به پیشرفته‌گی مردان - آزادی و تساوی - به استثنای مورد تعدد زوجات - حق کار کردن زنان برای تضمین آزادی آنان را مطرح کرد



برخوردار بودند. مصر خدایان زن همانند اسیس (Isis) و مت (Maat) داشت. آنان سمبول معرفت، نبوغ و عدالت بودند.

فعالیت‌های زنان در قرن اخیر فعالیت‌های آزادی خواهانه‌ی زنان در مصر ابتدا با تلاش اصلاح طلبان دینی آغاز شد. از قاسم

صفا و در کمال حکمت فرمان می‌راند، ۲۲ سال طول کشید. پس از وی تاحموطمس سوم جانشین او شد که سراسر سلطنتش به جنگ‌های فراوان گذشت.»

به طور کلی زنان در تمدن‌های باستانی از احترام و منزلت والایی در عرصه‌های زنده‌گی،



کهن حسین رهیاب بلخی

فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی زنان در مصر در مصر باستان همانند سایر تمدن‌ها، حکومت توسط مردان اداره می‌شد، منتها گاهی بنابر شرایط خاص، زنان زمام امور را به دست می‌گرفتند. نمونه‌هایی از حکومت ملکه‌ها در تاریخ مصر وجود دارد. ویل دورانت در این خصوص می‌نویسد:

«حتشپسوت، دختر شاه تاحوطمس لول در حالی که سی سال از دوران سلطنت پدر گذشت، به عنوان شریک در سلطنت پدر بر تخت سلطنت نشست، وی پس از شاه، شوهر و برادر ناتنی وی به سلطنت رسید و... خود به تنهایی به سلطنت پرداخت و ثابت کرد که جز این که زن است هیچ‌گونه تفاوتی با شاهان ندارد. وی بی‌آنکه به استبداد و خودکامه‌گی توسل جوید امنیت و نظم را در داخل کشور برقرار ساخت و بدون آنکه خسارتی ببیند صلح خارجی را حفظ کرد. بازار تازه‌ای برای تجارت مصر باز کرد و وسایل رفاه و لذایذ تازه‌ای برای ملت خود آماده ساخت. با نصب کردن دو مجسمه‌ی بزرگ با شکوه بر زیبایی کرکک افزود. در دیرالبحری معبد عظیمی را که پدرش اندیشه ساختن آن را داشت بنا نهاد و پیاره‌ای از معابد قدیمی را که به دست هیکسوس‌ها ویران شده بود آباد کرد. آن‌گاه در پایان کار برای خود گوری بسیار منقش و مخفی در میان تپه‌های شنی ساحل باختری نیل، در آنجا که بعدن به نام دره‌ی مقابر شاهان (وادی مقارالملوک) نامیده می‌شد، بنا کرد. جانشینان وی در ساختن مقبره‌های خود از او پیروی کردند.

دوران کشورداری این ملکه که در صلح و

(هفته‌نامه نیمرخ) NimrokhWeekly

www.nimrokh.af

mail@nimrokh.af

۰۷۷۶۸۴۲۰۴



بازتاب تمام رخ زنان

خوانندگان عزیز؛ نیمرخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی، مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران نشر می‌کند.

جز رویکرد نیمرخ، مسؤولیت مطالب دیگر به دوش نویسندگان است.

هفته‌نامه‌ی نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: فاطمه روشنیان

سردبیر و ویراستار: حسین احمدی ۰۷۷۰۹۹۴۲۳۳

گزارشگران: لطیفه سادات موسوی و عادلہ آذین

عکاس: حمیده مهردل

صفحه‌آرا: اولیا عماد

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

زیرنظر گروه نویسندگان